

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

A.R.M.D.

آرشیف اسناد جنبش انقلابی

فرستنده: طارق از افغانستان

۱۷.۰۷.۱۰



قهرمان بزرگ کشور - عبدالمجید "کلاکانی"

زخون خویش خطی میکشم بسوی شفق چه خوب ما شق این سرخی سرانجام
نوید فتح شبستان دهم بر اهروران سرو زرم پیام آوردن شوند نام
مقابله می ام و متیوانیم کشتن مگر حال بود لحظه ای کفی را
تویی که پشت تو میلرز از تصور منم که زندگی دگر است اعدا



عبدالمجید قهرمان - شهید کلکانی قبا!

عبدالمجید "کلکانی" - فرزند قهرمان ملت آزاده ما - در سال ۱۳۱۶ هـ.ش در یک خانواده مبارز و مجاهد در قریه "کلکان" کوه دامن دیده بجهان گشود. پدر و پدرکلان وی بسد سست هاشم جلاد بشهادت رسیدند. عبدالمجید هنوز دوره طفولیت را بسر نبرده بود که خانواده او بدستور دولت وقت به گندهار تبعید گردید. بعد از مدتی چند با خانواده اش دوباره بزادگاه خود برگشت. عبدالمجید از او ان طفولیت دارای استعداد و ذکاوت عالی بود. زندگی رقتبار و نامسا من محیط خانواده و شرایط جانکاه اجتماعی او را شخصیت پیکار جو و عاشق انقلاب ببار آورد. او در راه مبارزه و مقاومت برضد ستم و استبداد آبدیده شد و دیری نپائید که شهرت انقلابی اش از کران تا کران کشور را فرا گرفت.

او دیگر مرد پرآوازه بود و وجوبش خوان ستیزانرا تلخ میداشت، بنا به دودمان "طلایی" با بسیج همه امکانات داخلی و خارجی که در اختیار داشت در پی دستگیری و نابودی او برآمد. عبدالمجید - این مرد شعیس و تسلیم ناپذیر - ناگزیر بزندی مخفی رو آورد و راه نجات مردم را از زیر بار ظلم و ستم در مبارزه مسلحانه و جنگ توده ای طولانی جستجو نمود. او کسی بود که اولین دسته انقلابی مسلح را سازمان داد و بحق که او پایگذار مبارزات مسلحانه و جنگ چریکی در کشور ما است. عبدالمجید در بحبوحه مبارزه مخفی و بسیج توده ها و روشنفکران کار و پیکار مینمود که امپریالیزم شرارت پیشه و متجاوز روس بعد از فاجعه کودتای ثور و بخصوص بعد از ۶ جدی ۵۸ با تجاوز آشکار ناسیستی خود میهن گرامی ما را به جهنمی از خون و آتش مبدل ساخت و با دستکاری مشی حقیرین وجدان هزاران فرزند دلیر و پاکباز کشور ما را در بند اسارت قرار داد و جمع گیزی را با شگجه های وحشیانه و آتش مسلسل فرقه بخون نمود.

امپریالیزم روس با این موس خام که گویا میتواند بازور و اختناق و تولید وحشت و راهب مقاومت زوجه را دلاوران این سرزمین را بشکست و بروس ساخته و درام استعمار تنگین خود را با ایجاد دستگاه عسرت طلبانه "پنجم و خلق" تضمین مینماید، سخت در ظلمت گمراهی ابلهانه فرو رفته است. اما افتخار به مسرور دلاور و قهرمان ما است که در راه حفظ آزادی و شرف ملی خود یک وجب به عقب برنگشت، بلکه حمایست های شگوهندی آفرید که مانند آت را تاریخ در خون ثبت نکرده است.

چاکران بی وجدان روس بمرسد مداری بپیکر حقیر - این عروسک برهنه - با ادعای دروین آزادی بیان، اجتماعات و غیره بحال مردم ما اشک تمساح ریخت و یارورثیق دیرین خود - امپرس سناک - را "جنایتکار تاریخ" خواند، اما دیری نپائید که این واعظ بی کردار در راه خدمت به فاشیسم

رومیا زار کشتار و در بند کشیدند و زن و مرد را خلاف موازین حقوق بشر، کرامت انسانی و ماصطلاح "اصول اساسی افغانستان" چنان داغ نمود که میروند تا امین و شرکا در مرتبه دومی قرار گیرند.

در پهلوی جنایات از حد نژاد و بی شمار رژیم دست نشاندگی هم سانه تلخ و جانگساز از شهادت عبدالعجید "گلکانی" است که بدست ناپاک و کثیف سازمان جاسوسی روس (کا.جی.بی K.G.B) انجام یافت. روحش شاد، خاطره اش گرامی و راهش گلگون و درخشان باد!

خبر اسد ام فرزند پاکباز کشور (عبدالعجید "گلکانی") بدستور روس و مزدوران فرومایه آن از برای امواج رادیو و پرده تلویزیون توأم با اسلام ده تن جنایتکار پروسه کودتای هفت ثور کشته سیاهترین و ننگین ترین اعمال ضد بشری را بر میان کرملین بر مردم آزاده ما روا داشتند. پیش از پیش آتش قهر مردم افغانستان را بر افروخته ساخت و رژیم میهن فروش و "بیرک شید" را رسواتر و سواکنده تر نمود.

توش که پشت تو میوزد از تصویر مرگ / شمع که زندگی در گراست اسد ام

این خبر ناجوانمردانه قلب مردم شریف افغانستان را جریحه دار کرد. مردم با وجود تأثر زیبا در پی انتقام شدند. همان شب اعلام این خبر و شیوه و روزهای دیگر از پی آن مردم آزاده در زادگاه عجید قهرمان چنان عرصه را بر نوکران زرخیز کرملین و آریا شان تنگ نمودند که راهی جز فرار بر خود ندیدند، با اینکه ده ها جسد گدیده خود را برجا گذاشته بودند. بازتاب این عمل جنایتکارانه رژیم از فردای پخش آن خبر در بین روشنفکران و حلقه های سیاسی کشور نیز بی تأثیر نماند، بلکه رمکاتب ذکور و اناث مظاهر احساسات عالی جوانان با شکل و انواع مختلف دیده شد. در نوشته ها تا شبانه هفتا وصف شخصیت ملی و مبارز ثابت قدم راه آزادی و کرامت انسانی تجلی یافت.

آری! روس و بدستور از وی نوکران فرومایه و حقیر روس، عجید قهرمان را رهن و آدمکشش و انمود کرد و جز همین دیگر نمیتوان از دشمن خدا انتظار داشت.

آیا امپریالیزم روس تمام آزادخواهان افغانستان را که بخاطر آزادی میهن میزنند - دزد، رهن و آدمکش نمیکند؟

آیا روس و بردگان بی آن جنگ آزادی بخش مردم افغانستان را تجاوز دزدان و آدمکشان خطاب نمیکند؟

آیا امپریالیزم روس بشتی مختلفین دارای بیت المال سفارتخانه ها را بظاهر بر سر نوشت مردم شریف افغانستان یا نیرنگ و تجاوز قرار نموده؟

پس چه جای تعجب است که اگر همین دزدان بی وجدان امروز از طریق رادیو و تلویزیون مردم افغانستان با اشکاء به قدرت و برزوال قشون اشغالگر روس به نام شریف مجاهد ملی افغانستان برچسب ناروا زده، با این کینه توزی و آواشی میخواهد بر سر ناپاکی و کثافات از حد برون خود پرده اندازد. دشمنان آزادی و شرف افغانستان با این اعمال جنایتکارانه خود بین خود و ملت با ایمان و تسلیم ناپذیر ما خط فاصل و مرز دقیق کشیده و میروند تا به فرقاب نیمستی و نابودی سرنگون شوند.

جلادان کرملین و چاکران هرزه و تاربخنده آنها با گرفتاری تصادفی عجید قهرمان - که حتی شهادت خبر د ستگیری ویرا در خود ندیدند و آنرا به توطئه سکوت برگزاردند - قبل شادی زدند که گویا با افروای انوسنگران خود میتوانند حداقل همسوی رگد شمرند. لیر کشور را جلب نموده و با استفاده از مخابرات اوگامی در جهت کم سازی روحیه و زنجیرانه مردم بردارند تا اگر شود برای تحقق آرمان پلید خود دستاورد سازشکارانه و تسلیم طلبانه را به رخ مردم ما بیرون کشند.

اما عجید کجا و بیعت روس کجا!

عقاب زخمی ام و میتوانم گشتن / مگر حال بود لحظه ای کی رام

عجید کسی بود که نقاب از چهره وحشتناک مرگ برگسند و مرگ زیبا و شرافتمندانه را با جبین گشاده، توأم با مستی و غرور پذیرا شد. راه عجید در قبول شهادت راه قهرمانان جهان و عظمت روانی ملت های پیا خا سته میباشد که عجید آنرا در عرصه خیزش تاریخ کشور ما جاودانه ترسیم نمود.

مجید وحشیانه ترین شکجه های گوناگون روس و نوکران او را تحمل کرد و هیچگاه لب به سخن نکشود. او در آغاز و فرجام کار گفته بود که: "من بحیث فرزند افغان حاضر نیستم با روس ها حرف بزنم، چه جای آنکه به آنها تحقیق بدهم." او گفت: "من میبایم، اما سازش نمیکنم." خوب میدانم که ملت افغانستان زنده است و به پیروزی مردم خود ایمان دارم. او با این جملات مردانه آخرین خشم خود را بدشمن نمایان کرد و با ریختن خون خویش سنگر و سرستان آزادی و وارستگی را رنگین و آتشین نمود.

آری! پانزده سال زندگی بر آشوب و عقابگونه سیاسی او را بادرد و الم مردم افغانستان خوب آشنا ساخت. او از خود بیرون شد و به مردم اندیشید. او برای آزادی و رهائی مردم همچو ما در تپش بود و ریز و شیب، گریه و سرمانش ساخت. او از آسودگی پرید و به پیشواز مرگ رفت. او مسرد صمیمی، پرهیبت، مؤدب، خوش برخورد، با تجربه، پرمعلومات، دانشمند و در راه خدمت به وطن چون کوه پایدار بود. او خوشنویس چهره دست و مرد نظر و عمل بود. سرانجام او مجاهد ملی و قهرمانی بود که حال در بین ما نیست.

مجید بارها میگفت: "باید وجدان و قلب و روح ملت خود را از فرور آزادی و وارستگی سرشار کنیم تا از زندگی و آزادی لذت ببرند." او آزادی را در بیداری زحمتکشان کشور و در پرتو "مشی مستقل ملی" در از نفوذ ابرقدرتها و ستگران جهان با تکیه بر منابع ملی، تأمین وحدت ملی و اتکاء به نیروی خود میدانست.

او در نوشته های خود که بمثابة اسناد تاریخی به مردم افغانستان تقدیم کرده گفته است که برای آزادی افغانستان و آزاد زیستن کامل نه روس، نه امریکا، نه چین و نه هیچ قدرت دیگر..... او به طرد "هرگونه وابستگی" و مبارزه رهباری با دشمن و ضد روحیه پناهندگی، فرارطلبی و تحمل نمودن دشواری ها و تشیب و فرازهای مبارزه با ریختن خون پاک خود صحنه گذارد و شعار "یا مرگ یا آزادی" خود را جامه تحقق بخشید.

مجید را میتوان بحق اساسگذار وحدت همه نیروهای ملی، مترقی و اسلامی که رهباری برای آزادی کشور از جنگال اهریمنی امپریالیزم روس میکنند بگرد طبع "جبهه متحد ملی افغانستان" متشکل از تمام این نیروها خواند. او اندین راه کار و پیکار خستگی ناپذیر نمود و دستاورد های بس بزرگ و افتخار آفرین برهروان ثابت قدم راه آزادی میهن از خود بجا گذاشت.

افتخار ایجاد "سازمان آزادیبخش مردم افغانستان" و استحکام آن بحیث یک سازمان سیاسی - نظامی مرهون زحمتی و تلاش های خستگی ناپذیر مجید قهرمان است.

پس بحق گفته میتوانیم که مجید نموده است. آرمان مجید زنده است. او با مرگ خود جاودانه شد. او در قلب هر مرد و زن، طفل و جوان کشور زیبا و محبوب ما زنده و جاودان است. تاریخ آینده کشور بوجود مجید قهرمان افتخار خواهد نمود. او در اندیشه هر رهبر راه آزادی کشور زنده است و آرمان والا و انسانی وی رهگشای راه مبارزین امروز و آینده کشور خواهد بود.

مجید قهرمان - اساسگذار و مؤجد سازمان آزادیبخش مردم افغانستان - با پایداری و مقاومت در راه آرمانهای والای آزادی و انسانیت و قبول شهادت و مرگ قهرمانانه خود سرفرازی و سخروشی به مردم کشور، به میهن عزیز ما که چنین فرزند قهرمانی را بدامن پر مهر خود پرورده بود و به سازمان خود و همزمان خود گماشت نمود. مجید زندگی را به خون خود رنگ آرزو بخشید.

زخون خویش خطی می کشم بسوی شفق چه خوبها شق این سوخی سوانجام

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان افتخار دارد که از آوان بوجود آمدن خود باینسو در بحبوحه جنگ آزادیبخش ملی کشور قهرمانان دلیری تربیه نموده و در صحنه گرم نبرد و پیکار رهباری با دشمن خدای و همکار امپریالیست او تقدیم نمود که با پایمردی ها، رشادت ها، دلاوری ها، قهرمانی ها و دیراخی مرگ شرافتمندانه خود ها سخروشی دوستان و بازماندگان و رهروان خود را گماشت کردند. بحق که "ساما" از خون عزیزان خود رنگ گرفته است. "ساما" با ریخته شدن خون مرد حماسه آفرین کشور، بانی و اساسگذار خود هرچه رنگینتر و سخرشتر شد. زهی سعادت! هرچه رنگینتر و سخرشتر باد!

مجید قهرمان و شخصیت حماسی میهن !

سوگند بخون پاک تو و ده ها همزم گنگون کفن دیگرما که دریای نهال آزادی میهن عزیز
ریخته شد که تا پای جان راه تو و دیگر عزیزان دلاور خود را تعقیب و به آرمان والای انسانی و آزادی
تان وفادار خواهیم ماند . خاطره جانبازی و فداکاری تو و ده ها همزم دیگر خود را با ریختن خون
خود ها در راه آرمان والای عشق به آزادی و انسانیت گرامی و پاس میداریم .

مردم با شهامت ، مبارز و قهرمان !

خونبهای شهدای راه آزادی و قهرمانان پیا خاسته از میان شما توده های تاریخ ساز را که
در قلب تان جا دارد بگیرد و به دشمن شکست خورده و زیون مجال يك لحظه تنفس راند هید .

همزمان شجاع و دلیر !

چشمان منتظر شهدای گنگون کفن تان نظاره گرامی اعمال دشمن برانداز شما
راد مردان است . تأثیر را به نیرو تبدیل نمائید و با آموختن از فداکارهای همزمان
قهرمان خود صد چندان پرتوانتر از پیش بزمید و روان شانرا شاد دارید . بزرگترین تجلیل
از قهرمانان شهید ما ادامه راه بزرگ و انسانی شان است . بیایید فداکاری در راه آزادی و
وارستگی را در مبارزه رویاروی با دشمن و تسلیم نشدن به شدائد مبارزه و سازش نکردن
بدشمن را از مجید بیاموزیم . چنان باشیم که او نبود . چنان بعیریم که او مُرد .

نوید فتح شبستان دهم براهروان سواد رزم پیام آوران شود نام

افتخار بر مجید قهرمان - شهید راه آرمانهای مردم !

افتخار ابدی بر مجید - این بنیانگذار سازمان آزادیبخش مردم افغانستان !

گرامی باد خاطره شهدای راه آزادی میهن !

مرگ و نفرین بر قاتلان رسوا و جیره خوار او !

نابود باد امپریالیسم تجاوزگر روس !

یا مرگ یا آزادی !

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان

اسد - ۱۳۵۹